

دکتر محمد در میانه جنگ در جنوب سوریه، یک نوزاد دختر را به دنیا آورد. چند ساعت بعد، بیمارستان شان با خاک یکسان شد. بعد از حمله، دکتر محمد تنها دو ساعت وقت داشت تا بیمارستان را تخلیه کند.

دها سال است که از بیمارستان‌ها به عنوان مکان‌های امن برای درمان بیماران و مجروحان در بحبوحه جنگ یاد می‌شود. براساس کنوانسیون ژنو که از سوی ۱۹۶ کشور امضا شده است، افراد بشر حق مسلم درمان را دارا هستند. پزشکان و بیمارستان‌ها نیز ذیل کنوانسیون ژنو مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در واقع این کنوانسیون را می‌توان نشان افتخار بشریت در عصر جنگ‌های خونین و خشونت‌بار دانست. اما با توجه به این که برخی از کشورها دیگر به کنوانسیون ژنو پایبند نیستند، این کنوانسیون بیش از هر زمان دیگری مورد تهدید قرار گرفته است. در حقیقت، چهار کشور از پنج کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد ائتلافی جنگی را شکل داده‌اند که به بیماران بیمارستان‌ها در سوریه، یمن و افغانستان می‌پردازد.

#### تله مرگ

در عصر جنگ با ترور، دولت‌ها به طرز فزاینده‌ای حق مجروحان دشمن برای درمان شدن را نادیده می‌گیرند. آنها معتقدند این افراد تروریست و جانی هستند و لزومی ندارد که درمان شوند. وقتی شرایط به این گونه پیش می‌رود، شرایط کاری برای پزشکان بدون مرز هم بسیار دشوار می‌شود. خیلی‌ها از طرف‌های درگیر جنگ آنها را به عنوان حامیان تروریست‌ها محسوب می‌کنند و بی‌طرفی پزشکان در منطقه جنگی را نادیده می‌گیرند. در نتیجه، بیمارستان‌ها به جای این که مکان امنی باشند به تله مرگ تبدیل می‌شوند. یکی از سازمان‌هایی که به‌طور خاص از این مسأله آسیب دید، سازمان پزشکان بدون مرز است. این سازمان بزرگترین و سازمان‌یافته‌ترین سازمان کمک‌های پزشکی در سراسر جهان است که ۳۷ هزار داوطلبش در ۶۹ کشور به فعالیت مشغول هستند و تقریباً به‌طور کامل به کمک‌های مردمی و بخش‌های خصوصی وابسته است.

دنیا این سازمان را به‌عنوان متخصصی برای کمک به آسیب‌دیدگان در جنگ‌های داخلی و بلایای طبیعی می‌شناسد. آنها فعالان اجتماعی و افراد شجاعی هستند که با اعطای کامل سازمان کمترین بروکراسی در سراسر جهان به کار و فعالیت مشغولین و حاضرین برای انجام ماموریت خود هر خطری را بپذیرند. از ۴۵ سال پیش که این سازمان تأسیس شد همواره مسیر پیشرفت را در پیش گرفت و در سال ۱۹۹۹ میلادی برنده جایزه صلح نوبل شد. این سازمان در حال حاضر بهترین سازمان خیریه در جهان است. اما در سال ۲۰۱۶ و پس از اتفاقاتی که افتاد، مدیران این سازمان رفته‌رفته دچار تردید شدند که چطور می‌توانیم جان انسان‌ها را بدون این که جان خودمان را از دست بدهیم، نجات بدهیم؟

#### حمله به بیمارستان‌ها

تقریباً هر هفته به یکی از بیمارستان‌های سازمان پزشکان بدون مرز در سراسر جهان حمله می‌شود یا کارکنان بیمارستان مورد حمله قرار می‌گیرند. این خود باعث می‌شود سازمان فعالیت در منطقه مورد حمله قطع شود و مدتی به حال تعلیق درآورد و همین مسأله موجب می‌شود هزاران هزار نفر از دریافت درمان‌های اضطراری محروم شوند.

در تاریخ سوم اکتبر سال ۲۰۱۵، نیروی هوایی آمریکا به بیمارستان سازمان پزشکان بدون مرز در قندوز افغانستان حمله کرد و ۴۲ نفر جان باختند که از میان آنها ۱۴ نفر از کارکنان پزشکان بدون مرز بودند.

در ۲۰ ژانویه سال ۲۰۱۵، هواپیمای جت متعلق به رژیم سواد، بیمارستان سازمان پزشکان بدون مرز در شهر فراندال را بمباران کرد. در حالی که ۱۵ بیمار و کارمند سازمان در بیمارستان بودند. در تاریخ ۱۸ مه سال ۲۰۱۶، حمله‌کنندگان ناشناس به دو خودروی سازمان پزشکان بدون مرز در آفریقای مرکزی حمله کردند و راننده آن را کشتند. جولای سال ۲۰۱۶ نیز پزشکان بیمارستان در حلب حمله و قتل‌عام شدند. شورش‌های سوریه و ارتش سوریه به یک دیگری را مقصر قلمداد کردند.

در یمن، هر دو طرف درگیر در جنگ به بیمارستان‌های سازمان پزشکان بدون مرز حمله می‌کنند. در ماه اگوست سال ۲۰۱۶، در یک حمله ۱۹ نفر جان باخته و ۲۰ مجروح شدند و سازمان پزشکان بدون مرز اعلام کرد که موقتا فعالیت خود را در یمن به حال تعلیق درمی‌آورد. بیماران شدن و مورد حمله قرار گرفتن بیمارستان‌ها و کارکنان سازمان پزشکان بدون مرز چه معنایی برای این سازمان دارد؟ دو عامل است که معمولا کارکنان سازمان پزشکان بدون مرز را در خطر قرار می‌دهد. یکی از این عوامل گسستگی مناطق در برخی کشورها و عدم توانایی دولت مرکزی برای اعمال حاکمیت و حفظ امنیت است. در برخی از دولت‌های ورشکسته نظیر آفریقای مرکزی، کارکنان سازمان پزشکان به خدمات بهداشتی و درمانی برای نیازمندان مهیا می‌کنند، مجبورند از یک مکان به مکان دیگری بروند یا در برخی از مکان‌های دورافتاده مستقر شوند. اما این مکان‌ها معمولاً نامن هستند، چراکه دولت مرکزی آن‌قدر ضعیف است که نمی‌تواند حاکمیت منطقه‌ای خود را اعمال کرده و امنیت را حفظ کند. عامل دوم افزایش دفعات حمله گروه‌های مسلح به کارکنان سازمان است که معمولا در تضاد با قوانین بین‌المللی بشردوستانه صورت می‌گیرد.

آفریقای مرکزی یکی از فقیرترین کشورهای جهان و جایی است که پزشکان سازمان باید توجه ویژه‌ای به امنیت خود داشته باشند. مقررات منع آمدن بود برای کارکنان سازمان در آفریقای مرکزی از ساعت ۶ عصر آغاز می‌شود. بعد از این ساعت آنها تنها اجازه دارند به ۶ رستورانی که از قبل برای آنها



عکس: آنا

## طبابت زیر گلوله

حتی بیمارستان‌های پزشکان بدون مرز در مناطق جنگی امن نیست

از جمله هیچ کس این پروژه را ترک نکرد. پیترز می‌گوید: «هدف حمله پزشکان بدون مرز نبود.» پس از آن سراغ شورش‌های رفت و به آنها گفت که هیچ‌گونه خشونت‌ناهی تحمل نمی‌کند. او هشدار داد: «وگرنه این پروژه را تعطیل می‌کنیم.» با سلف پیترز، اینها چیزهای کوچکی هستند که او برایشان از چهارم بزرگتر در اروپا گذشت کرده، مانند شش‌شش در واحد مراقبت‌های ویژه در لندن و نامزدش که مجبور است وقتی برای پزشکان بدون مرز خارج از کشور می‌رود از او دور بماند. بعد از ظهوری دموکراتیک کنگو و سودان جنوبی، جمهوری آفریقای مرکزی یکی از کشورهای است که اعضای پزشکان بدون مرز در آن فعالیت دارند. این کشور مانند دیگر کشورهای منطقه به هر لحظه بتدریک. بعد از کودتای سال ۲۰۱۳ و کشتار میان مسلمانان سلکا و شبه‌نظامیان مسیحیان آنتی‌بالا، جمهوری آفریقای مرکزی رئیس‌جمهوری دیگری انتخاب کرده اما ساختارهای دولتی عملاً وجود ندارد.

در مقایسه ناچیز است پیگاه پیترز در بمباری مانند یک اردوگاه بزرگ پنجاهه‌ساله است. هزاران نفری که از پوت‌تازها به آنجا آمده‌اند حالا در کلبه‌ها یا پیرانه‌های ساختمان‌های زندگی می‌کنند. شورش‌های شهر را میان خودشان تقسیم کرده‌اند و در تمام طول روز صدای آتش گلوله به گوش می‌رسد.

پیترز دوست ندارد درباره حمله آن شب صحبت کند. او این خشونت‌ناهی را که به چشم خود دیده در مقایسه با تجربیات افراد محلی ناچیز می‌شمارد. او می‌گوید: «حساس می‌کنم ضعیف شده‌ام، اما طبیعی است.»

داوطلبان بعد از حمله چند روز را در محلی گرفتند، بعضی‌ها هم به پایتخت رفتند تا پیترز بخورد. تور ویال جدیدی را نصب کردند اما بعد

از حمله پیترز در بمباری مانند یک اردوگاه بزرگ پنجاهه‌ساله است. هزاران نفری که از پوت‌تازها به آنجا آمده‌اند حالا در کلبه‌ها یا پیرانه‌های ساختمان‌های زندگی می‌کنند. شورش‌های شهر را میان خودشان تقسیم کرده‌اند و در تمام طول روز صدای آتش گلوله به گوش می‌رسد. پیترز دوست ندارد درباره حمله آن شب صحبت کند. او این خشونت‌ناهی را که به چشم خود دیده در مقایسه با تجربیات افراد محلی ناچیز می‌شمارد. او می‌گوید: «حساس می‌کنم ضعیف شده‌ام، اما طبیعی است.»

داوطلبان بعد از حمله چند روز را در محلی گرفتند، بعضی‌ها هم به پایتخت رفتند تا پیترز بخورد. تور ویال جدیدی را نصب کردند اما بعد

می‌دهد. این کنوانسیون آغاز نوعی کتاب مقدس است که پزشکان بدون مرز همچنان برای حمایت از آن تلاش می‌کنند.

دوناتت مادر تمام سازمان‌های بشردوستانه را تأسیس کرد؛ کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ که به وضع زخمی‌ها در میدان جنگ رسیدگی می‌کند. این کمیته تحت قانون بین‌المللی فرمانی دریافت کرد تا به‌عنوان وکیل برای کنوانسیون ژنو در جنگ عمل کند. هدف داوطلبان آن مدنی کردن مبارزه است.

#### برابر با خیانت

برای رسیدن به این هدف صلیب‌سرخ به حسن‌نیت قدرتمندان وابسته است. منتقدان صلیب‌سرخ معتقدند وارد قراردادی با شیطان می‌شوند.

وقتی که منطقه بیافرا در جنوب شرقی نیجریه استقلال خود را در سال ۱۹۶۷ اعلام کرد، گروهی از پزشکان فرانسوی صلیب‌سرخ هم همین عقیده را داشتند. نیروهای دولتی نیجریه شورش‌ها را محاصره کردند و تا سرحد مرگ به آنها گشتگی دادند. سکوت صلیب‌سرخ برای پزشکان و نخست‌وزیر بعدی فرانسه، برنار کوشر، غیر قابل تحمل و برابر با خیانت بود.

کوشر در کمیتهی رسانه‌ای دولت نیجریه را به نسل‌کشی متهم کرد و در سال ۱۹۷۱ به همراه گروهی از پزشکان پزشکان بدون مرز راه‌اندازی کرد. ایده‌های جدید به وجود آمده بود که پزشکان می‌توانند به مداوای بیماران بپردازند؛ در حالی که بی‌عدالتی را تصدیق می‌کنند. این تولد پزشکان بدون مرز بود، کودک کاکتوسیم.

امروزه صلیب‌سرخ و پزشکان بدون مرز دو سازمان متفاوتند. بر اساس فرمان قانون بین‌المللی صلیب‌سرخ اهداف متفاوتی دارد و نسبت به سازمان‌های امداد رسانی که بودجه دولتی ندارند محدودیت‌های مختلفی سر راهشان قرار دارد. با وجود این، این دو سازمان یکدیگر را کامل و در تعامل یکدیگر فعالیت می‌کنند. کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ در طی این سال‌ها آوازه بلندی پیدا کرده در حالی که آوای پزشکان بدون مرز کم‌رنگ‌تر شده است. یکی از زمانی که برای مبارزه با گرسنگی کار کرد می‌گوید: «عملکرد صلیب‌سرخ آهسته و برکواتر است. پزشکان بدون مرز فعالان حقوق بشر به حساب می‌آیند، اما کمک‌های امدادی آنها خارج از جنگ فایده‌ای ندارد.»

در جولای امسال درگیری‌ها در جمهوری آفریقای مرکزی دوباره از سر گرفته شده. صدها نفر از پوت‌تازها به مزارع نیشر در جنوب بمباری قرار کرده‌اند و پزشکان بدون مرز می‌خواهند به آنها کمک کنند. برای همین مریم پیترز به دیدار علی داراسا، فرمانده شورش‌های مسلمان سلکا می‌رود. ارتش تحت فرمان او جاده‌ای که به سمت جنوب می‌رود را کنترل می‌کند.

داراسا هیچ عجزی برای این دیدار ندارد، اما بالاخره بعد از نیم ساعت سسرو کلاهش به همراه اسکوئرتی از مردان مسلح پیدا می‌شود. مردی تنومند که لباس ارتشی و پوتین‌های سربازی به پا دارد و حالت صورتش بسیار اسرارآمیز است.

پیترز مودبانه می‌پرسد: «می‌توانیم به سراغ شهروندان در مزارع نیشر برویم؟» فرمانده‌ای که خودش، خودش را انتخاب کرده با بیخند می‌گوید: «حتماً» در منطقه ما هیچ مشکلی وجود ندارد. پیترز می‌گوید: «خوبه، چون ما می‌خواهیم فعالیت‌های پزشکی‌مان را در آنجا آغاز کنیم. برایمان مهم است که بدانیم آیا باید منتظر وقوع حادثه‌ای باشیم یا نه.»

فرمانده به دوردست‌ها خیره می‌شود. از این سوال خوشش نمی‌آید. داراسا می‌داند که رئیس‌جمهوری جدید تمام شورش‌های سربرانش کرده و او نمی‌خواهد این اتفاق برای سربازانش بیفتد. همچنین ممکن است که تصور کاملی از این که چه اتفاقی در جنگل می‌افتد، ندارد. او نمی‌تواند هیچ چیزی را گارانتی نمی‌کند.

داراسا می‌گوید: «مردی که مسئول خلع سلاح سربازان من است غیب شده و به اروپا رفته؛ اما شما می‌توانید بروید.» پیترز لبخند می‌زند.

در نهایت تیم پیترز به مزرعه نیشر می‌رسند؛ اما وقتی که داوطلبان می‌رسند، تعداد کشته‌شدگان بیشتر شده و آنها مجبور می‌شوند عملیات را کنسل کنند.

#### منبع: اشپیکل

ترجمه: گروه بین‌الملل شهورند



نوشته روی پلکار: «حتی جنگ هم قانون دارد.»